

بسم الله الرحمن الرحيم

## آیه تبلیغ

### فهرست

۲	.....مقدمه
۳	.....آیهی تبلیغ در منابع شیعی
۴	.....آیهی تبلیغ در منابع اهل تسنن
۴	.....مطالعه روایات اهل تسنن در خصوص آیه تبلیغ مطابق با مدعای شیعه
۴	.....یک: روایت ابن ابی حاتم رازی (متوفی ۳۲۷ ه.ق)
۴	.....دو: روایات حاکم حسکانی (م پس از ۴۹۰ ه.ق)
۶	.....سه: روایات ابن مردویه اصفهانی (متولد ۳۲۳ و متوفی ۴۱۰ ه.ق)
۷	.....بررسی اسناد و طرق شأن نزول آیه تبلیغ مطابق با مدعای شیعه در منابع اهل تسنن
۸	.....معارضات شأن نزول آیه تبلیغ در منابع اهل تسنن
۸	.....نزول آیه در حمایت از پیامبر در مکه
۹	.....نزول آیه در حراست از پیامبر پس از هجرت
۱۰	.....نزول آیه در غزوه بنی انمار
۱۱	.....نزول آیه درباره حکم رجم و قصاص
۱۲	.....مفاد آیهی تبلیغ
۱۲	.....یاایها الرسول
۱۲	.....بلغ
۱۲	.....ما انزل الیک
۱۲	.....من ربک
۱۳	.....و ان لم تفعل
۱۳	.....فما بلغت رسالته
۱۴	.....والله یعصمک من الناس
۱۴	.....و الله لایهدی القوم الکافرین
۱۵	.....نتیجه گیری:

یکی از آیات الهی که از منظر شیعیان دلالت بر ولایت و خلافت آن حضرت دارد، آیه تبلیغ یا آیه بلاغ است. از این رو شیعیان آن را در فهرست آیات الولایه بر می‌شمرند. این آیه که در شصت و هفتمین آیه از پنجمین سوره‌ی قرآن گنجانده شده است، جزء آخرین آیاتی است که در ذی الحجه سال دهم هجری بر پیامبر نازل شد. بنا بر دیدگاه رایج شیعه، پس از این آیه، تنها آیه اکمال نازل شده است، و پس از آن باب وحی قرآنی بسته شد. شیعیان در خصوص شأن نزول این آیه هیچ اختلاف نظری ندارند. اما در میان اهل تسنن اقوال مختلف غیر قابل جمع در خصوص شأن نزول این آیه فراوان است. این تشتت آرای شگفت‌آور نشان دهنده‌ی تلاش همه جانبه‌ی جاعلان حدیث در جهت تقلیب حقیقت و کتمان آن است، و گرنه در شرایط عادی بعید به نظر می‌رسد که روایات مربوط به شأن نزول یک آیه، تا این پایه متفاوت و متشتت باشد. اما با این همه اندیشمندان متعددی از اهل تسنن شأن نزول این آیه را مطابق با دیدگاه رایج شیعی نقل کرده‌اند به گونه‌ای که طرق متعدد این روایت «قریب به تواتر» بودن آن را در منابع اهل تسنن نشان می‌دهد. بنا براین با توجه به نقل‌های مکرر و متعدد شأن نزول مورد نظر در خصوص این آیه در منابع فریقین، تواتر انضمامی این دست از روایات قابل اثبات است.

متن حاضر می‌کوشد تا ضمن بررسی شأن نزول آیه‌ی تبلیغ در منابع فریقین، معارضات موجود در این خصوص را از راه دلالتی تحلیل نماید و به شبهات رایج در خصوص این آیه‌ی شریفه پاسخ گوید.

## آیه ی تبلیغ در منابع شیعی

همانگونه که اشاره شد، اندیشمندان شیعی متفقاند که این آیه در شأن امیرالمؤمنین در جریان حجه الوداع سال دهم هجری و پیرامون ولایت آن حضرت نازل شده است. جز یک روایت مرسل در تفسیر فرات کوفی که احتمالاً آن را طریق اهل تسنن اخذ کرده است، سایر روایات شیعی در خصوص شأن نزول این آیه تعارضی با یکدیگر ندارند. مرحوم کلینی در الکافی ضمن بیان حدیثی صحیح از چندین تن از اصحاب حضرت صادق به نقل این حقیقت پرداخته است. پیش از وی نیز مرحوم علی بن ابراهیم در ذیل خطبه پیامبر در روز غدیر به نکته اشاره فرموده‌اند. هم چنین عیاشی نیز از مفسران متقدم شیعی ذیل آیه به نقل چندین روایت در این خصوص پرداخته است. به همین تقدیر سایر اندیشمندان شیعی هریک در این خصوص به فراخور بحث احادیثی نقل نموده‌اند. اینک برخی از این نقل ها را مورد توجه قرار می‌دهیم:

**الکافی: ج ۱، ص ۲۸۹:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَالْفُضَيْلِ بْنِ يَسَّارٍ وَبُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ وَ أَبِي الْجَارُودِ جَمِيعاً عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَسُولَهُ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ قَرَضُوا أُولَى الْأَمْرِ فَلَمْ يَدْرُوا مَا هِيَ فَأَمَرَ اللَّهُ مُحَمَّدًا ص أَنْ يُفَسِّرَ لَهُمُ الْوَلَايَةَ كَمَا فَسَّرَ لَهُمُ الصَّلَاةَ وَ الزَّكَاةَ وَ الصَّوْمَ وَ الْحَجَّ فَلَمَّا آتَاهُ ذَلِكَ مِنْ اللَّهِ ضَاقَ بِذَلِكَ صَدْرُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ تَخَوَّفَ أَنْ يَرْتَدُّوا عَنْ دِينِهِمْ وَ أَنْ يُكَذِّبُوهُ فَضَاقَ صَدْرُهُ وَ رَاجَعَ رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ فَصَدَعَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ فَقَامَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ ع يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ فَتَأَذَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً وَ أَمَرَ النَّاسَ أَنْ يُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ قَالَ عُمَرُ بْنُ أُذَيْنَةَ قَالُوا جَمِيعاً غَيْرَ أَبِي الْجَارُودِ وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَ كَانَتْ الْفَرِيضَةُ تَنْزِلُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ الْأُخْرَى وَ كَانَتْ الْوَلَايَةُ آخِرَ الْفَرَائِضِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ بَعْدَ هَذِهِ فَرِيضَةً فَذَلِكَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ الْفَرَائِضَ

**تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۳۳۱:** عن أبي صالح عن ابن عباس و جابر بن عبد الله قالوا أمر الله تعالى نبيه محمدا ص أن ينصب عليا ع علما للناس ليخبرهم بولايته، فتخوف رسول الله ص أن يقولوا حامى ابن عمه و أن تطغوا فى ذلك عليه فأوحى الله إليه « يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ » فقام رسول الله ص بولايته يوم غدیر خم

**تفسیر فرات الكوفی ص ۱۲۹:** فرات بن ابراهیم الكوفی معننا عن زيد بن أرقم، قال لما نزلت هذه الآية فى ولاية علي بن أبى طالب ع يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ قَالَ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَدَ [بيد] علي [بن أبى طالب ع فى يوم غدیر خم] رفعها و قال اللهم من كنت مولاه فهذا علي مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه

## آیه‌ی تبلیغ در منابع اهل تسنن

در منابع اهل تسنن نیز کثیری از اندیشمندان به نقل شأن نزول این آیه در همین معنا داشته‌اند. اگر چه همگی ایشان به طور قاطع نپذیرفته‌اند که شأن نزول آیه‌ی تبلیغ مربوط به ولایت حضرت امیر علیه السلام است، ولیکن این احتمال را نیز نقل کرده‌اند. ضمناً بیان این نکته ضروری است که برخی از علمای مکتب سقیفه تنها به ذکر یک احتمال در خصوص سبب نزول این آیه پرداخته‌اند، و آن هم ابلاغ ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در غدیر خم است، مانند: ابن مردویه اصفهانی و حاکم حسکانی. اینک فهرستی از اسامی اندیشمندان اهل تسنن که به نقل این شأن نزول پرداخته‌اند، می‌پردازیم:

۱. ابو جعفر طبری ۲. ابن ابی حاتم رازی ۳. حافظ ابو عبدالله محاملی ۴. حافظ ابن مردویه ۵. ابو اسحاق ثعلبی ۶. ابو نعیم اصفهانی ۷. واحدی نیشابوری ۸. حاکم حسکانی ۹. ابو سعید سجستانی ۱۰. ابوالقاسم ابن عساکر شافعی ۱۱. فخر رازی ۱۲. ابو سالم نصیبی شافعی ۱۳. شیخ الاسلام حمّوی ۱۴. المیر سید علی الهمدانی ۱۵. ابن صباغ مالکی ۱۶. قاضی عینی ۱۷. نظام الدین نیشابوری ۱۸. کمال الدین میدی ۱۹. جلال الدین سیوطی ۲۰. میرزا محمد بدخشانی ۲۱. شهاب الدین آلوسی ۲۲. قاضی شوکانی ۲۳. قندوزی حنفی ۲۴. شیخ محمد عبده ۲۵. عبدالرزاق رسعنی ۲۶. محمد محبوب عالم ۲۷. حاج عبدالوهاب بن محمد ۲۸. جمال الدین عطاء الله بن فضل الله شیرازی ۲۹. عبدالرحمن احمد البکری (نویسنده کتاب من حیاة الخلیفه عمر بن الخطاب)

اینک برخی از این روایات را از نظر می‌گذرانیم:

### مطالعه روایات اهل تسنن در خصوص آیه تبلیغ مطابق با مدعای شیعه

یک: روایت ابن ابی حاتم رازی (متوفی ۳۲۷ ه.ق)

ابن ابی حاتم در تفسیر مشهور خود، ذیل آیه تبلیغ چندین در خصوص این آیه را گزارش می‌نماید. وی در اولین نقل به صدور این آیه در حق امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره می‌نماید:

حدثنا أبي ، ثنا عثمان بن خرزاذ ، ثنا إسماعيل بن زكريا ، ثنا علي بن عابس ، عن الأعمش ، عن عطية العوفى ، عن أبي سعيد الخدري ، قال : نزلت هذه الآية ( يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك ) في علي بن أبي طالب<sup>۱</sup>

دو: روایات حاکم حسکانی (م پس از ۴۹۰ ه.ق)

حاکم حسکانی در شواهد التنزیل با نقل نه حدیث در این خصوص، سهم فراوانی در تقویت روایات مربوط به شأن نزول این آیه مطابق با مدعای شیعی دارد. برخی از این روایات را به مطالعه می‌نشینیم:

<sup>۱</sup>تفسیر ابن ابی حاتم، ذیل آیه تبلیغ، ح ۶۶۴۵

الف- أخبرنا السيد أبو الحسن محمد بن [على بن] الحسين الحسنى رحمه الله قراءة قال أخبرنا أبو الحسن محمد بن محمد بن علي الأنصارى بطوس، قال حدثنا قريش بن خدّاش بن السائب، قال حدثنا أبو عصمه نوح بن أبي مريم، عن إسماعيل، عن أبي معشر، عن سعيد المقبرى عن أبي هريرة عن النبي ص قال لما أسرى بى إلى السماء سمعت [نداء من] تحت العرش أن عليا راية الهدى و حبيب من يؤمن بى بلغ يا محمد، قال فلما نزل النبي ص أسر ذلك، فأنزل الله عز و جل يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فى على بن أبى طالب، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ

ب- أخبرنا الحاكم أبو عبد الله الحافظ جملة، [قال أخبرنا] على بن عبد الرحمن بن عيسى الدهقان بالكوفة، قال حدثنا الحسين بن الحكم الحبرى قال حدثنا الحسن بن الحسين العرنى قال حدثنا حبان بن على العنزى قال حدثنا الكلبي عن أبي صالح عن ابن عباس فى قوله عز و جل يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْآيَةَ، [قال] نزلت فى على، أمر رسول الله ص أن يبلغ فيه، فأخذ رسول الله بيد على فقال من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه

ج- أخبرنا أبو بكر السكرى قال أخبرنا أبو عمرو المقرئ قال أخبرنا الحسن بن سفيان، قال حدثنى أحمد بن أزهر قال حدثنا عبد الرحمن بن عمرو بن جبلة، قال حدثنا عمر بن نعيم بن عمر بن قيس الماصر، قال سمعت جدى قال حدثنا عبد الله بن أبى أوفى قال سمعت رسول الله ص يقول يوم غدیر خم و تلا هذه الآية يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ثم رفع يديه حتى يرى بياض إبطيه ثم قال ألا من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. ثم قال اللهم اشهد

د- حدثنى على بن موسى بن إسحاق، عن محمد بن مسعود بن محمد، قال حدثنا سهل بن بحر، قال حدثنا الفضل بن شاذان، عن محمد بن أبى عمير، عن عمر بن أذينة عن الكلبي عن أبي صالح عن ابن عباس و جابر بن عبد الله قالا أمر الله محمدا أن ينصب عليا للناس ليخبرهم بولايته فتخوف رسول الله ص أن يقولوا حابى ابن عمه و أن يطعنوا فى ذلك عليه، فأوحى الله إليه يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْآيَةَ، فقام رسول الله بولايته يوم غدیر خم ه- حدثنى محمد بن القاسم بن أحمد فى تفسيره قال حدثنا أبو جعفر محمد بن على الفقيه، قال حدثنا أبى قال حدثنا سعد بن عبد الله قال حدثنا أحمد بن عبد الله البرقى، عن أبيه، عن خلف بن عمار الأسدى عن أبى الحسن العبدى عن الأعمش، عن عباية بن ربيع عن عبد الله بن عباس عن النبي ص [و ساق] حديث المعراج إلى أن قال و إنى لم أبعث نبيا إلا جعلت له وزيرا، و إنك رسول الله و إن عليا وزيرك. قال ابن عباس فهبط رسول الله فكره أن يحدث الناس بشىء منها إذ كانوا حديثى عهد بالجاهلية حتى مضى [من] ذلك ستة أيام، فأنزل الله تعالى فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ ما يُوحى إِلَيْكَ<sup>٢</sup> فاحتمل رسول الله [ص] حتى كان يوم الثامن عشر، أنزل الله عليه يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ثم إن رسول الله ص أمر بلالا حتى يؤذن فى الناس أن لا يبقى غدا أحد إلا خرج إلى غدیر خم،

٢. فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ ما يُوحى إِلَيْكَ وَ ضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كُتُبٌ أَوْ جاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنْما أَنْتَ نَذِيرٌ وَ اللَّهُ على كُلِّ شىءٍ وَكِيلٌ (هود/١١)

فخرج رسول الله ص و الناس من الغد، فقال يا أيها الناس إن الله أرسلني إليكم برسالة و إني ضقت بها ذرعا  
مخافة أن تهموني و تكذبوني حتى عاتبني ربي فيها بوعيد أنزله علي بعد وعيد، ثم أخذ بيد علي بن أبي طالب  
فرفعها حتى رأى الناس بياض إبطيهما [إبطهما] ثم قال أيها الناس الله مولاي و أنا مولاكم فمن كنت مولاه فعلي  
مولاة اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله. و أنزل الله اليومَ أكمَلتُ لكم دِينكم

سه: روایات ابن مردویه اصفهانی (متولد ۳۲۳ و متوفی ۴۱۰ ه.ق)

ابن مردویه، از سه تن از صحابه (ابن مسعود، ابو سعید خدری، عبدالله بن عباس) و دو تن از تابعین (ابو حمزه و زید  
بن علی الشهید) روایت مربوط به این آیه را جمع آوری کرده است. اما متأسفانه کتاب وی به دست ما نرسیده است، و این  
احادیث با تتبع در دیگر آثارى که از وی نقل حدیث می‌کردند، به دست آمده است. اینک روایت عبدالله بن مسعود را از نظر  
می‌گذرانیم. (این روایت را سیوطی در الدر المنثور از ابن مردویه نقل کرده است، ما آن را از کتاب مناقب علی بن ابیطالب و ما  
نزل من القرآن فی علی روایت می‌آوریم)

ابن مردویه، عن ابن مسعود، قال : كنا نقرأ علی عهد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) (یا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك  
من ربك - إن علیا مولی المؤمنین - وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمک من الناس)

## بررسی اسناد و طرق شأن نزول آیه تبلیغ مطابق با مدعای شیعه در منابع اهل تسنن

با تحقیقات فراوان در منابع اهل تسنن شأن نزول آیه تبلیغ از طرق ذیل به دست ما رسیده است. برخی از این طرق به شکل «معلق» در دسترس قرار دارند. اینک فهرستی از این طرق را می آوریم (هشت طریق از صحابه و ۵ طریق از تابعین):

۱. عبدالله بن عباس (به دو طریق و دو سند متصل و مسند)
۲. عبدالله بن مسعود
۳. جابر بن عبدالله (به یک طریق مسند)
۴. ابو سعید الخدری (به یک طریق مسند و با اسناد متعدد)
۵. البراء بن عازب<sup>۳</sup>
۶. زید بن ارقم<sup>۴</sup>
۷. عبدالله بن ابی اوفی (به یک طریق مسند)
۸. ابوهریره (به یک طریق مسند)
۹. محمد بن علی الباقر علیهما السلام (به یک طریق مسند)<sup>۵</sup>
۱۰. جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام (به یک طریق مسند)<sup>۶</sup>
۱۱. ابو حمزه الثمالی<sup>۷</sup>
۱۲. عطیه بن سعد عوفی<sup>۸</sup>
۱۳. زید بن علی الشهید علیهما السلام (به یک طریق مسند)<sup>۹</sup>

### نکته:

روایات مذکور با این تعداد طرق، مستفیضه اند و چنانچه با طرق شیعه جمع شوند، تواتر انضمامی آن متحقق خواهد شد. ضمناً روایات مربوط به طرق ابن عباس و ابوسعید الخدری از حیث سند صحیح اند. بررسی صحت اسناد حدیث به خوانندگان واگذار می شود.

۳. مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰؛ الکشف والبیان، ج ۴، ص ۹۲. هم چنین عبدالرحمن البکری در «من حباه الخلیفه عمر بن الخطاب» آورده است: أخرج المیر سید علی الهمدانی عن البراء بن عازب (رض) فی قوله تعالی: "یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک". "أی بلغ من فضائل علی. نزلت فی غدیر خم. فخطب رسول الله صلی الله علیه وسلم قال: "من کنت مولاه فهذا علی مولاه" فقال عمر (رض). یخ یخ لک یا علی، أصبحت مولای، ومولا کل مؤمن ومؤمنه. رواه أبو نعیم: وذكره الثعالبی فی کتابه (السبعین فی فضائل علی ص ۵۱۷)

۴. الغدیر، ج ۱، ص ۴۲۴

۵. الکشف والبیان، ج ۴، ص ۹۲؛ ینابیع الموده، ج ۱، ص ۱۱۹، باب ۳۹؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۲۴۸؛ مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰؛ عمده القاری، ج ۱۸، ص ۲۰۶

۶. تفسیر الحبری، ص ۲۸۵، ح ۴۱

۷. النور المشتعل من کتاب ما نزل من القرآن فی علی، ص ۸۶، ح ۱۶

۸. مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مردویه اصفهانی، ص ۲۴۰، ح ۳۴۸

۹. همان، ص ۲۴۰، ح ۳۴۷

## معارضات شأن نزول آیه تبلیغ در منابع اهل تسنن

همانگونه که گفته شد، اقوال مختلفی راجع به سبب صدور این آیه در منابع مخالفان ذکر شده است. ما به موارد مهم تر

این تعارضات اشاره می‌نماییم:

### نزول آیه در حمایت از پیامبر در مکه

سیوطی در الدر المشهور، ذیل آیه تبلیغ حدیث عجیبی ذکر می‌کند که نزول آیه تبلیغ را به اوائل بعثت و در مکه بر

می‌گرداند!!! در این روایت عجیب عباس عموی پیامبر وی را از دست مشرکان نجات می‌دهد:

عن ابن عباس قال: «سئل رسول الله صلى الله عليه وسلم أى آية أنزلت من السماء أشد عليك؟ فقال» كنت بمنى أيام موسم واجتمع مشركوا العرب وافناء الناس فى الموسم ، فنزل على جبريل فقال «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس» قال: فقامت عند العقبة، فنادت: يا أيها الناس من ينصرنى على أن أبلغ رسالة ربي ولكم الجنة، أيها الناس قولوا لا إله إلا الله، وأنا رسول الله إليكم، وتنجحوا ولكم الجنة. قال: فما بقى رجل ولا امرأة ولا صبى إلا يرمون على بالتراب والحجارة، ويبصقون فى وجهى ويقولون: كذاب صابئ، فعرض على عارض فقال: يا محمد، إن كنت رسول الله فقد آن لك أن تدعو عليهم كما دعا نوح على قومه بالهلاك. فقال النبى صلى الله عليه وسلم: اللهم اهد قومى فإنهم لا يعلمون. وانصرنى عليهم أن يجيبونى إلى طاعتك «فجاء العباس عمه فأنقذه منهم وطردهم عنه، قال: الأعمش فبذلك تفتخر بنو العباس، ويقولون: فيهم نزلت (الايه)»<sup>۱۰</sup>.

بررسی این روایت:

- ۱- این حدیث معلق است. بنا براین هیچ اعتباری ندارد، و در برابر دیگر روایات شأن نزول آیه تبلیغ به طور صحیح نقل شده‌اند، از جمله روایات مربوط به ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، ساقط می‌گردد.
- ۲- سوره مائده مدنی است و آخرین سوره‌ای است که بر پیامبر نازل شده است<sup>۱۱</sup>، حال این واقعه مربوط به سال‌های اول بعثت است. جمع این دو با یکدیگر ممکن نیست. احتمال نزول مکرر آیه نیز حتی در صورت امکان، نیازمند دلیل است.
- ۳- ضمناً توجه به این نکته ضروری است که عباس عموی پیامبر در غزوه بدر، و پس از اسارت ایمان آورد. این حدیث را بنی العباس جعل کردند تا برای جد خود عباس فضیلت تراشی کنند!

۱۰. ابن عباس می‌گوید از رسول خدا سوال کردم نزول کدام آیه بر شما از همه شدید تر و سخت تر بود. پیامبر فرمود: در ایام موسم در منا بودم و مشرکان عرب و سایر مردم در آنجا بودند. جبرائیل بر من نازل شد و گفت (یا أيها الرسول بَلِّغْ ما أنزل إليك... من برخاستم و ندا دادم: ای مردم! چه کسی مرا یاری می‌کند تا پیام پروردگارم را برسانم و برای او بهشت باشد. ای مردم! بگوئید: لا اله الا الله و من رسول خدایم تا رستگار شده، نجات یابید و به بهشت روید. پس هیچ کس از مرد و زن و کودک نبود جز آن که مرا با خاک و سنگ هدف قرار دادند و در صورتم آب دهان انداختند و گفتند: دروغگو است... پس عموی ایشان عباس آمد و حضرت را از دست آنان نجات داد و آنان را به عقب راند.

۱۱. تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۲۸۸، تفسیر القرطبی ج ۶ ص ۲۸۸، نیل الاوطار، الشوکانی ج ۱ ص ۲۶، و تفسیر البغوی ذیل آیه تبلیغ



## نزول آیه در حراست از پیامبر پس از هجرت

ابن ابی حاتم ذیل آیه تبلیغ، حدیثی از عایشه نقل می‌کند که پیامبر گرامی اسلام توسط صحابه‌ی شان مورد حراست قرار می‌گرفتند تا اینکه این آیه نازل شد و از این کار به امر پیامبر دست کشیدند.

حَدَّثَنَا إِبرَاهِيمُ بْنُ مَرْزُوقٍ البَصْرِيُّ نَزِيلٌ مِصرَ، ثنا مُسْلِمُ بْنُ إِبرَاهِيمَ، ثنا الحَارِثُ بْنُ عُبيدِ أَبُو قُدَامَةَ، عَنْ سَعِيدِ الجُرَيْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَقِيقٍ، عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُحْرَسُ حَتَّى نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ " وَاللَّهُ يَعِصُمُكَ مِنَ النَّاسِ " ، قَالَتْ: فَأَخْرَجَ رَأْسَهُ مِنَ الْقُبَّةِ، وَقَالَ: " يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْصِرُوا فَقَدْ عَصَمَنِي اللَّهُ " .

بررسی این روایت:

- ۱- اولاً این روایت مفرد است و از این جهت نسبت به روایاتی که شأن نزول آیه را ابلاغ ولایت حضرت امیر بیان کرده است، سست‌تر است. هم چنین الحارث بن عبید ابو قدامه از طرف برخی از رجالیون مورد ضعف قرار گرفته است: «احمد بن حنبل او را مضطرب الحدیث می‌داند. یحیی بن معین او را ضعیف الحدیث خوانده است. ابوحاتم هم می‌گوید: لیس بالقوی، یکنب حدیثه و لا یحتج به». نسائی نیز می‌نویسد: «لیس بذاک القوی»<sup>۱۲</sup>
- ۲- ضمناً این که از جان پیامبر به طور خاص توسط صحابه حراست می‌شده است، در هیچ نقل دیگری نیامده است. اصحاب نهایتاً در زمان اضطرار نسبت به جان حضرت اقداماتی می‌کردند نه آن که پیامبر رسماً محافظانی داشته بوده باشند.
- ۳- ثانیاً این روایت در صورت صحت، در تعارض با مدعای شیعه نیست. یعنی آن چه که این روایت ثابت می‌کند عصمت پیامبر از مردم است، که سبب آن پیامبر عذر محافظان خود را خواسته است. این امر تعارضی با واقعه غدیر و نزول این آیه در این خصوص ندارد. چرا که این روایت بیشتر از آن که از سبب صدور آیه سخن گوید، به یکی از نتایج معطوف به آیه اشاره می‌کند. یعنی ممکن است این آیه در شأن حضرت امیر نازل شده باشد و به تبع عبارت «یعصمک من الناس»، جان پیامبر در امان قرار گرفته باشد به طوری که محافظان خود را معاف کنند.
- ۴- از همه مهمتر، اگر این موضوع سبب نزول آیه تبلیغ باشد، آنگاه نکته‌ی هدایتی خاصی در جریان نیست که خداوند پیامبر خود را این گونه خطاب کنند که «و ان لم تفعل فما بلغت رسالته». اصلاً متن آیه با این فرض سازگار نیست. چرا که آیه می‌رساند که پیامبر باید مطلبی مهم را که با رسالت ایشان و هدایت امت در ارتباط است، ابلاغ نمایند. و این مطلب به قدری مهم است که با تمام رسالت پیامبر برابری می‌کند. حال آنکه اصلاً شأن نزول مطرح شده ربطی به این موارد ندارد. در واقع محور بحث آیه، ابلاغ امری مهم است که با عدم تبلیغ آن رسالت را به مقصد نرسیده و نا تمام می‌نمایند. در حالی در این حدیث محوریت بحث با حفظ جان پیامبر است.

۱۲. رک: تهذیب الکمال مزی (تمام بحث های رجالی از این کتاب آورده شده است).

۵- اتفاقاً پذیرش این حدیث تقویت کننده‌ی مدعای شیعه است. زیرا از آن جایی که این روایت با شأن نزول مورد نظر شیعیان قابل جمع است، نشان می‌دهد که جان پیامبر حتی با وجود محافظانی که داشتند برای ابلاغ امر ولایت حضرت باز هم در امان نبوده است. پس به همین جهت خداوند به پیامبرش وعده‌ی اعتصام می‌دهد. هم چنین به خوبی می‌رساند که توطئه علیه جان پیامبر در خصوص ابلاغ امر ولایت حضرت امیر، یک امر از پیش طراحی شده توسط منافقان بوده است.

## نزول آیه در غزوه بنی انمار

ابن ابی حاتم، حدیث دیگری نیز در این خصوص ارائه کرده است.

حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى بْنِ سَعِيدِ الْقَطَّانُ، ثنا زَيْدُ بْنُ الْحُبَابِ، ثنا مُوسَى بْنُ سَعِيدٍ، حَدَّثَنِي زَيْدُ بْنُ أَسْلَمَ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: لَمَّا غَزَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَنِي أَنْمَارٍ نَزَلَ عَلَى ذَاتِ الرِّقَاعِ نَخْلٍ، فَبَيْنَمَا هُوَ جَالِسٌ عَلَى رَأْسِ بئرٍ قَدْ دَلَّى رَجُلَيْهِ، فَقَالَ الْوَارِثُ مِنْ بَنِي النَّجَّارِ: لَأَقْتُلَنَّ هَذَا، فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ: كَيْفَ تَقْتُلُهُ؟ أَأَقُولُ لَهُ: أُعْطِنِي سَيْفَكَ، فَإِذَا أُعْطَانِيهِ قَتَلْتُهُ بِهِ، قَالَ: فَآتَاهُ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، أُعْطِنِي سَيْفَكَ أَشِيْمَةً، فَأَعْطَاهُ إِيَّاهُ، فَرَعِدَتْ يَدُهُ حَتَّى سَقَطَ السَّيْفُ مِنْ يَدِهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «حَالَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَا تُرِيدُ»، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ لَمَّا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»

ترجمه: هنگامی پیامبر با بنی انمار جنگید، حضرت در ذات الرقاع فرود آمدند و بر سر چاهی نشستند و پاهایشان را در چاه قرار دادند. مردی به نام «وارث» از بنی النجار گفت: او را خواهم کشت. یارانش به او گفتند چگونه او را می‌کشی؟ گفت: به او می‌گویم شمشیرت را بده پس هنگامی شمشیرش را به من داد با همان او را می‌کشم. وی نزد پیامبر آمد و گفت: شمشیرت را بده تا ببویم. حضرت آن را به وی داد. آن گاه از دستش لیز خورده و افتاد. پیامبر صلی الله علیه وآله به او فرمود: خداوند بین تو و آنچه می‌خواستی انجام دهی مانع شد. آنگاه این آیه نازل شد: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ...)

بررسی این روایت:

- ۱- اولاً غزوه بنی انمار یا همان غزوه ذات الرقاع در ابتدای سال ششم هجرت به وقوع پیوسته است، در حالی که سوره مائده از سوره‌هایی است که در سال‌های پایانی عمر حضرت نازل گشته است.
- ۲- ابن کثیر نیز پس از نقل این حدیث در تفسیرش آن را «غریب» خوانده است.<sup>۱۳</sup>
- ۳- توطئه بر جان پیامبر یک امر همیشگی بوده است. به نظر می‌رسد این طرز توطئه خنده‌دار آن قدر حقیر هست که چنین آیه-ای آن هم با چنین مفاد مهمی با آن سازگاری نخواهد داشت.
- ۴- و مهم‌تر از همه محور بحث آیه، ابلاغ امر مهمی است که با رسالت آن حضرت و هدایت امت در ارتباط است. در حالی که حکایت مطرح شده در این روایت کاملاً بی‌ارتباط با متن آیه است. (ر.ک: مورد چهارم از بررسی روایت قبلی)

۱۳. ر.ک: تفسیر ابن کثیر ذیل آیه

## نزول آیه درباره حکم رجم و قصاص

بغوی در تفسیر ضمن بیان احتمالاتی می‌نویسد: «و قیل: بلغ ما انزل الیک من الرجم و القصاص، نزلت فی قصه الیهود» و این قصه چنین پردازش شده است که خداوند به پیامبرش دستور داد تا آن چه را که درباره حکم رجم و قصاص بر وی نازل شده اعلان کند. در واقع این اعلان برخوردی در برابر موضع یهود بود که می‌خواستند به نحوی از حکم رجم زنا‌ی محصنه و قصاص که در تورات آمده است فرار کنند. از این رو افرادی را نزد رسول خداصلی الله علیه وآله فرستادند تا از ایشان درباره این دو موضوع سؤال کنند، جبرئیل نازل شد و حکم رجم و قصاص را آورد.

### بررسی این احتمال:

- ۱- اولاً این مطلب در هیچ روایت معتبری نیامده است و بیشتر یک حدس است تا شأن نزول آیه. بدیهی است در صورت وجود روایاتی متعدد و مستفیض و قریب به تواتر در خصوص یک آیه، سراغ حدس و گمان‌های مطرح شده نمی‌رویم. در واقع این موضوع یک ادعای بدون دلیل است که از همین جهت بی اعتبار خواهد بود.
- ۲- مطابق دیدگاه خود بغوی و سایر اندیشمندان، سوره مائده آخرین سوره‌ای است که نازل شده است. پس در زمان نزول این آیه یهود تار و مار شده شوکتی نداشته است که خداوند بخواهد پیامبر را با چنین تعابیری نسبت به اهمیت موضوع هشدار دهد..

## مفاد آیهی تبلیغ

یاایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالتہ، و اللہ یعصمک من الناس و اللہ لا یهدی القوم الکافرین.

### یاایها الرسول

تنها دو<sup>۱۴</sup> بار در قرآن، پیامبر با این وصف، خطاب می‌شود. برخی این نکته را سبب اهمیت موضوع دانسته اند. برخی نیز قائلند که چنین خطاب کم کاربردی می‌خواهد پیامبر و در نتیجه سایر مسلمین را نسبت رسالت بزرگی که در ابلاغ این امر مهم وجود دارد، متوجه سازد.

### بلغ

یعنی ابلاغ کن! و ابلاغ کردن یعنی به و طر کامل رساندن پیامی را. این پیام سابقاً به طور رسمی ابلاغ نشده است، به دو دلیل: بلغ ظهور در آن دارد که قبلاً تبلیغ نکرده‌ای و هم چنین عبارت بعدی که می‌فرماید: «وان لم تفعل» یعنی اگر تبلیغ نکنی. بدیهی است که اگر سابقاً پیامبر آن را تبلیغ کرده باشد، عبارت «اگر تبلیغ نکنی» بی معنا است.

### ما انزل الیک

یعنی آن چه که نازل شده است. بدیهی است که منظور از این عبارت همه‌ی احکام و عقاید نیست، بلکه اشاره به مورد خاصی دارد. زیرا سوره مائده در آخرین ماه‌های حیات پیامبر نازل شده است و تا آن زمان حدود ۹۰ درصد از رسالت پیامبر به انجام رسیده است؛ و چنانچه متذکر شدیم دو عبارت «بلغ» و «وان لم تفعل» نشان می‌دهد که پیامبر مورد نظر هنوز به طور رسمی و علنی ابلاغ نشده است. در حالی که تا پیش از نزول سوره مائده بسیاری از احکام و عقاید رسماً و علناً تبلیغ و تشریح شده است. پس عبارت «ما انزل» ناظر به امری خاص است.

### من ربک

این عبارت نیز تأکیدی است بر این نکته که پیامی که باید مورد تبلیغ واقع شود، از سوی خدا آمده است. هر گونه دخالت پیامبر در بیان و تشریح این پیام منتفی است. توجه شود که بدون عبارت «من ربک» نیز واضح بود که این پیام از سوی خدا نازل شده است، مانند دیگر مواردی که در قرآن عبارت‌های «انزل الینا» و «انزل الیک» بدون چنین قیدی آمده است. پس وجود عبارت «من ربک» نشان‌گر تأکیدی ویژه بر این معناست.

۱۴. یکبار دیگر در سوره مائده آیه ۴۱ خطاب یا ایها الرسول آمده است.

## و ان لم تفعل

همانگونه که گفته شد این عبارت نشان می‌دهد که موضوع مورد بحث تا کنون تبلیغ نشده است. اگر چه که اشاره و وعده و بشارت به آن سابقاً ممکن است که اتفاق افتاده شده باشد. بحث این است که از این پس این پیام رسماً و به طور کامل و به همگان ابلاغ می‌شود و همگان باید نسبت به آن خاشع و فرمانبردار باشند.

متأسفانه برخی گمان کرده‌اند که این عبارت می‌رساند که پیامبر نمی‌خواسته است که این پیام را برساند و یا این که از انجام این کار نعوذ بالله درخواست معافیت کرده است. در پاسخ به چنین برداشتِ شگفت‌آوری می‌گوییم اصلاً این عبارت چنین معنایی را نمی‌رساند. علاوه بر این که چنین برداشتی با مرتبه‌ی معنوی پیامبر ناسازگار است، چنانچه خواهیم قائل به این معنا شویم پس باید بگوییم نعوذ بالله پیامبر حتی می‌خواسته است مشرک شود! زیرا قرآن می‌فرماید: «لئن اشرکت لیحبطن عملک». همانطور که وقتی قرآن خطاب به پیامبر می‌فرماید «اگر شرک ورزیدی...» و این جمله به هیچ وجه بدین معنا نیست که پیامبر می‌خواسته شرک بورزد، پس به همین تقدیر، وقتی که خداوند می‌فرماید: «و ان لم تفعل...» بدین معنا نیست که پیامبر می‌خواسته انجام ندهد. و از آن جایی که پیامبر از مقام عصمت در ابلاغ وحی برخوردارند، پس برداشت چنین معنایی صحیح نیست. علاوه بر این قرآن می‌فرماید: «لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أُبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ» یعنی خداوند می‌داند که رسولانش رسالات پروردگارش را تبلیغ می‌کنند. هم چنین چند آیه‌ی دیگری را که می‌توان برای دفع این معنا به کاربرد، از نظر می‌گذرانیم:

۱- وَ أَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَ لَّا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (یونس/۱۰۵)

۲- وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَا حُكْمًا عَرَبِيًّا وَ لَيْسَ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَ لَا وَاقٍ (۳۷/رعد)

۳- الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۶۰/ال عمران)

۴- إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَ لَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا (۱۰۵/نساء)

۵- فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْخُوْتِ إِذْ نَادَى وَ هُوَ مَكْظُومٌ (۴۸/القلم)

معنای دقیق و مقصود خداوند از عبارت «و ان لم تفعل...» با جواب شرطی که در ادامه آمده است، روشن می‌شود.

## فما بلغت رسالته

توجه در این عبارت بسیار مهم، فهم دقیق آیه را روشن می‌سازد. توجه شود که در این جا منظور از «رسالته» همین پیام مورد نظر که باید تبلیغ شود، نیست! زیرا بدیهی است و نیازی به بیان ندارد و اصلاً بیان آن قبیح است که کسی بگوید: «فلان کار را بکن، اگر فلان کار را نکردی، دقیقاً همین فلان کار را نکردی!!!» یا بنا بر مورد مذکور در آیه «این پیام را برسان، اگر این پیام را نرساندی، این پیام را نرسانده‌ای!!!» معلوم است که چنین کلام سخیفی از ساحت قرآن بدور است. همین امر نشان می‌دهد که منظور از «رسالته» در این آیه پیام مورد نظر نبوده است که قرار است تبلیغ شود، بلکه منظور از رسالت، تمام رسالت پیامبر است که به طور مطلق و بدون قید ذکر شده است.

اکنون می‌توان معنای دقیق عبارت «و ان لم تفعل» را فهمید. همانطور که از جواب شرط پیداست، منظور خداوند از این که می‌فرماید: اگر انجام ندادی این است که، می‌خواهد عظمت و بزرگی و اهمیت فوق العاده امر تبلیغی را برساند. زیرا قرآن می‌گوید: «اگر این پیام را نرسانی، در حقیقت رسالت خود را گویا هرگز به انجام نرسانده‌ای» و این مانند آن است که کسی جهت نشان دادن عظمت یک امر مهم مثل «آزمون ورودی دانشگاه» به دانش آموزی که مدت‌ها برای رسیدن به هدف خاص (یعنی ورود به دانشگاه) درس خوانده است، بگوید: «اگر در آزمون ورودی شرکت نکنی یا قبول نشوی، گویا اصلاً این همه مدت که زحمت کشیده‌ای، هیچ کاری نکرده‌ای و هدف تو به انجام نرسیده است.» پر واضح است که چنین معنایی نشانگر اهمیت آزمون ورودی است و لزوماً بدین معنا نیست که دانش آموز قصد ترک آزمون ورودی را دارد.

پس در نتیجه این آیه از تبلیغ امری مهم سخن می‌گوید که بدون آن، رسالت پیامبر به ثمر نمی‌رسد و هدف آن تأمین نمی‌شود. این که اگر این پیام نرسد، تمام رسالت پیامبر انجام نشده است، یا معنایی است حقیقی و یا کنایتی است جهت فوق العاده بودن اهمیت موضوع. هر یک را که بپذیریم جهت اثبات مدعای ما کافی است. زیرا در این صورت نزول این آیه در غیر از غدیر خم منتفی شده و هماهنگی این آیه با آیه اکمال بیش از پیش روشن می‌گردد. آری مورد تبلیغی چنان مهم است که پس از ابلاغ آن کفار مأیوس شده، دین خدا تمام و کامل می‌شود و خداوند از این که اسلام را به عنوان دینی بپذیرد، راضی می‌گردد.

## والله يعصمك من الناس

این قسمت از آیه به روشنی نشان می‌دهد که این پیام برای بخش از گروه مخاطبان پیامبر (یعنی اصحاب) آنقدر گران است که قصد جان پیامبر می‌کنند. یعنی مورد تبلیغی چنان اهمیتی دارد که مخالفان آن به قدری در مخالفت با آن جدی هستند که برای جلوگیری از آن از هیچ اقدامی چشم‌نمی‌پوشند. توجه شد که این عبارت به هیچ وجه بدین معنا نیست که نعوذ بالله پیامبر از جان خود بر این تبلیغ می‌هراسیدند. نه! این عبارت تأکید مجددی بر اهمیت موضوع و وجود مخالفان سرسخت آن است. هم چنین پیامبر را از فراهم بودن شرایط ابلاغ پیام آگاه می‌سازد. چرا که بنا بر برخی از روایات پیامبر پیش از نزول آیه و با نزدیک شدن زمان تبلیغ این پیام، نسبت به خطر منافقان و مخالفان متوجه بودند. مخالفان این پیام مهم، قصد اضمحلال دین و انحراف تمام و کمال آن را داشتند. این عبارت و عبارت بعدی آن فراهم بودن شرایط را جهت تبلیغ می‌رساند.

## و الله لايهدي القوم الكافرين

مخالفان ابلاغ این پیام مهم، بنا بر ظاهر این آیه، کافرند. و خداوند ایشان را در نیل به هدفشان که همانا توطئه به جان پیامبر و از طریق آن اضمحلال دین و انحراف قطعی و همیشگی آن است، هدایت نخواهد کرد. و بدین سبب نور الهی کامل و تمام می‌شود و کفار نوید می‌گردند: «قد يأس الذين كفروا من دينكم...»

## نتیجه گیری:

- ۱- مفاد آیه تبلیغ، خبر از ابلاغ پیامی بس مهم دارد. پیامی که بدون آن رسالت پیامبر به انجام نمی‌رسد و طبق روایات متعدد شیعه و اهل تسنن با ابلاغ آن دین خدا کامل و تمام می‌شود.
- ۲- شأن نزول آیه تبلیغ در میان اندیشمندان شیعی بدون اختلاف است و همگان در تشیع این آیه را مربوط به ماجرای غدیر می‌دانند.
- ۳- روایات مستفیضه‌ای با ۱۳ طریق (هشت طریق متصل به صحابه و تابعین) در منابع اهل تسنن مطابق با مدعای شیعه نقل شده است. این روایات به انضمام روایات شیعی به درجه تواتر می‌رسد.
- ۴- تمامی معارضات آیه تبلیغ که در منابع اهل تسنن آمده است، کاملاً با مفاد این آیه و محوریت بحث آن بی‌ارتباط است و از این جهت و بنا به دلایلی دیگر از درجه اعتبار ساقط‌اند. بنابراین روایت مستفیضه‌ی مذکور که مطابق با مدعای شیعه است، ثابت شده و این آیه، دلالت مستقیم بر ولایت حضرت امیر علیه السلام دارد.